



وظیفه قانونی صیانت از حقوق عامه

مدیرمسئول: منصور مظفری
وکیل پایه یک دادگستری

تاکید این قلم بر حفظ محیط زیست و منابع طبیعی است امام شهید انقلاب در سخنان مورخ هفتم تیرماه ۱۴۰۰ فرمودند: «تخریب محیط زیست و منابع طبیعی بلایی بزرگ برای آینده بشر است و باید برخورد قاطع با متعديان به منابع طبیعی شود. دستگاه قضایی باید به عنوان پاسدار حقوق عامه، با متجاوزان به اراضی ملی و منابع طبیعی بدون اغماض برخورد کند» اصل ۱۵۶ قانون اساسی مسئولیت نهادسازی و نظارت در حقوق عامه را به عهده قوه قضائیه گذاشته است و به این منظور شورای حفظ حقوق بیت‌المال در امور اراضی و منابع طبیعی کشور به ریاست رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود و دادستان کل کشور نیز دبیر شورا می‌باشد تا با ابزارهای قانونی از اراضی ملی و دولتی، منابع طبیعی حفاظت نماید و در استان‌ها بدین منظور شورایی تحت عنوان شورای استانی حفظ حقوق بیت‌المال در امور اراضی و منابع طبیعی کشور تشکیل می‌شود که در این شورا رئیس کل دادگستری به عنوان ریاست شورا و دادستان مرکز استان دبیر شورا می‌باشد که اعم وظایف این شورا ایجاد زمینه برای برخورد قاطع با مرتکبین، بررسی گزارش‌های واصله در خصوص متجاوزین به انفال در موضوع اصل ۴۵ قانون اساسی، هماهنگی جهت جلوگیری از تخریب منابع طبیعی، جلسات شورا هر دو ماه یکبار تشکیل خواهد شد.

در ماده ۳ دستورالعمل نحوه مقابله یا ترک وظایف قانونی مدیران و کارمندان و پیشگیری از آن مصوب ۱۳۹۹ آمده است: «در اجرای ماده ۲۲ قانون آئین دادرسی کیفری، مواد ۵۹۸ و ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و دستورالعمل، دادستان‌های سراسر کشور مکلفند به منظور صیانت از حقوق عامه، تدابیر زیر را جهت حفظ حقوق عمومی و پیشگیری و مقابله با ترک وظایف قانونی اتخاذ کنند».

هدف این نوشتار این بود که صیانت از حقوق عمومی از جمله انفال (منابع طبیعی) و حفظ محیط زیست وظیفه‌ای که شرع و قانون برعهده همگان به ویژه متولیان امور و ناظران گذشته است. آفتاب حقوقی موضوعی که از چندین سال قبل در روزنامه آفتاب یزد به آن پرداخته است را مجدداً یادآوری و تأکید بر اجرای قانون دارد. امید است مسئولان مربوطه و ناظرین حداقل گزارشی در این خصوص ارائه نمایند همین...

آفتاب حقوقی

سیاست جنایی در قبال خودروهای شوتی



نوشتاری از: دکتر سید محمد کاظم موسوی
استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی
صفحه ۴

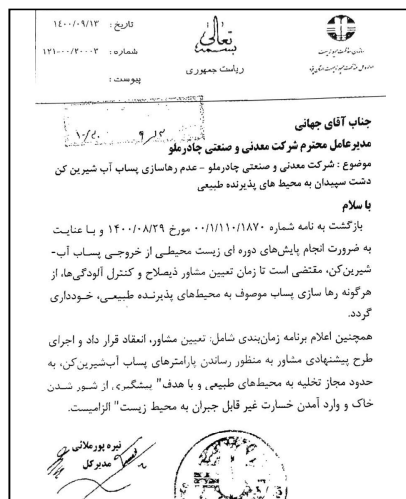
شنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۵ ● سال اول ● شماره ۲

برای چندمین مرتبه استمداد از قوه قضائیه برای صیانت از حقوق عامه

جلوگیری از رهایی فاضلاب آب شیرین کن‌ها در عرصه‌های ملی یزد!

■ کدام دستگاه اجرائی، متولی جلوگیری از رهاسازی فاضلاب آب شیرین کن‌های شرکت چادرملو در عرصه‌های ملی است؟

■ علیرغم اطلاع تمامی دستگاه‌های اجرائی چه اقداماتی در جلوگیری از خسارت بیشتر صورت گرفته و کدام دستگاه اجرائی ترک فعل نموده است؟



«واحدهای آب شیرین کن معدن چادرملو» در منطقه سیاه‌کوه شهرستان اردکان و سپیدان ساغند می‌باشد. در سال ۱۴۰۲ سازمان حفاظت محیط زیست رسماً اعلام نمود: «اداره کل محیط زیست یزد نسبت به نمونه‌برداری و آنالیز پساب مذکور (فاضلاب آب شیرین کن‌های شرکت چادرملو) و مقایسه با استانداردهای زیست محیطی براساس منبع پذیرنده، اقدام و با توجه به تشخیص آلاینده‌گی، پس از اخطارهای متعدد و پیگیری‌های لازم...

متن کامل در صفحه ۲

آفتاب حقوقی: یکی از معضلات استان یزد آلودگی هواست. براساس مطالعات صورت گرفته عوامل اصلی آلودگی هوا گرد و غبار حاصل از عوامل طبیعی، توسعه صنعتی و معدنی، حمل و نقل و ... می‌باشد.

سازمان حفاظت محیط زیست کشور در سال ۱۴۰۲ مدعی اقدام عملی طی برنامه ده ساله برای کاهش آلودگی هوا شده بود. اما برخی اقدامات هرچند نیاز به زمان ندارد و با یک اقدام قانونی و عملی می‌توان جلوی فاجعه‌های احتمالی را گرفت. از جمله این موارد، جلوگیری از رهاسازی فاضلاب ناشی از

حضرت حجت الاسلام والمسلمین حسین طهماسبی رئیس کل محترم دادگستری استان یزد

سلام علیکم

با نهایت تأثر و تأسف، خبر درگذشت پدر گرامی‌تان موجب اندوه فراوان گردید. اینجانب، به نمایندگی از خانواده بزرگ مرکز وکلاء، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه استان یزد، این ضایعه جانسوز را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و مغفرت واسعه الهی، علو درجات و همنشینی با اولیای الهی، و برای بازماندگان معزز صبر، شکیبایی و سلامتی مسئلت دارم. امید است روح آن فقید سعید در جوار رحمت بی‌کران الهی آرام گیرد.

فرهنگ فاضلی

رئیس مرکز وکلاء، قوه قضائیه استان یزد

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حسین طهماسبی

رئیس محترم کل دادگستری استان یزد دامت توفیقاته

خبر درگذشت پدر گرامیتان موجب تأثر و تألم بسیار گردید. با نهایت تأثر و تألم، درگذشت پدر گرانقدرتان را صمیمانه تسلیت و تعزیت عرض می‌نمایم. بی‌تردید، فقدان پدر اندوهی جانکاه و جبران‌ناپذیر است که تنها با اتکال به الطاف الهی، صبر و رضا در برابر مشیت پروردگار، تحمل آن میسر خواهد بود. از درگاه خداوند متعال، برای آن مرحوم رحمت واسعه، مغفرت و علو درجات، و برای جناب‌عالی، خاندان محترم و سایر بازماندگان، صبر جمیل، اجر جزیل، سلامتی و شکیبایی مسئلت دارم. امید است روح آن فقید سعید در جوار رحمت بی‌کران الهی، با اولیای الهی و صالحان محشور و مشمول عنایات حضرت حق قرار گیرد.

محمدحسین جعفری

رئیس هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری استان یزد

آشنایی با اصطلاحات حقوقی مهم در معاملات ملکی

انجام هر نوع قرارداد و معامله نیاز به آگاهی و آشنایی اولیه طرفین با اصطلاحات حقوقی دارد. زمانی که افراد ملکی اعم از ساختمان با زمین را معامله می کنند، بهتر است با اصطلاحات حقوقی که در مرحله انتقال سند از آن استفاده می شود آشنایی داشته باشند. موارد متعددی وجود داشته که یکی از طرفین خرید و فروش ملک به دلیل عدم آشنایی با این اصطلاحات وارد معامله اشتباهی شده و بعدها خواسته است از طریق مجاری قانونی حق خود را از طرف مقابل بگیرد؛ اما به دلیل عدم اشراف به مسائل حقوقی و نا آگاهی نسبت به نکات حقوقی لازم در معاملات ملکی، در زمان عقد و امضای قرارداد، موارد لازم برای رفع اختلافات را در قرارداد پیش بینی نکرده و...

ادامه در صفحه بعد ➡

خبر حقوقی

شنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۵ • سال اول • شماره ۳



برای چندمین مرتبه استمداد از قوه قضائیه برای صیانت از حقوق عامه

جلوگیری از رهایی فاضلاب آب شیرین کن ها در عرصه های ملی یزد!

- کدام دستگاه اجرائی متولی جلوگیری از رهاسازی فاضلاب آب شیرین کن های شرکت چادرملو در عرصه های ملی است؟
- علیرغم اطلاع تمامی دستگاه های اجرائی چه اقداماتی در جلوگیری از خسارت بیشتر صورت گرفته و کدام دستگاه اجرائی ترک فعل نموده است؟



از اظهارهای متعدد و پیگیری های لازم، به دلیل عدم انجام هرگونه اقدام مثبت از سوی شرکت چادرملو درخواست تعطیلی واحد مذکور علیه بهداشت عمومی به مراجع قضایی معرفی شده است.

(مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۴ به شماره نامه ۱۴۰۲/۱۷۰/۳۳۵۲۹)

پساب و یا همان فاضلاب ناشی از آب شیرین کن ها که بسیار خطرناک می باشند علاوه بر اینکه عرصه های ملی (منابع طبیعی) را تخریب نموده موجب آسیب به سفره های زیرزمینی و با اندک باد گرد و غبار به روستاهای اطراف نفوذ و موجبات خسارات غیرقابل جبرانی شود.

برای چندمین مرتبه از دستگاه عدلیه درخواست می شود ضمن ورود به موضوع در راستای صیانت از حقوق مردم با عامل و عاملین این فاجعه زیست محیطی برخورد قانونی نماید.

هرچند مسئولان از مکاتبات و مستندات که در ذیل به آن اشاره می شود اطلاع دارند ولی جهت اطلاع و آگاهی عموم به عنوان صاحبان اصلی منتشر می شود.



آفتاب حقوقی : یکی از معضلات استان یزد آلودگی هواست. براساس مطالعات صورت گرفته عوامل اصلی آلودگی هوا گرد و غبار حاصل از عوامل طبیعی، توسعه صنعتی و معدنی، حمل و نقل و ... می باشد.

سازمان حفاظت محیط زیست کشور در سال ۱۴۰۲ مدعی اقدام عملی طی برنامه ده ساله برای کاهش آلودگی هوا شده بود. اما برخی اقدامات هرچند نیاز به زمان ندارد و با یک اقدام قانونی و عملی می توان جلوی فاجعه های احتمالی را گرفت. از جمله این موارد، جلوگیری از رهاسازی فاضلاب ناشی از «واحدهای آب شیرین کن معدن چادرملو» در منطقه سیاه کوه شهرستان اردکان و سپیدان ساغند می باشد.

در سال ۱۴۰۲ سازمان حفاظت محیط زیست رسماً اعلام نمود: «اداره کل محیط زیست یزد نسبت به نمونه برداری و آنالیز پساب مذکور (فاضلاب آب شیرین کن های شرکت چادرملو) و مقایسه با استانداردهای زیست محیطی براساس منبع پذیرنده، اقدام و با توجه به تشخیص آلایندهی، پس

شما و مادرتان در حضور دو شهود عادل باشد و در صورت وجود اختلاف در آینده با طرح دعوی حکم مبنی بر اثبات مالکیت خویش دریافت کنید.

سوال: قطعه زمینی از یک شخص ۸۰ ساله خریداری کردم پس از استعلام مشخص شد این زمین را قبلاً به شخص دیگری فروخته است دادگاه کیفری او را محکوم کرد آیا حق الوکاله ای که به وکیل داده ام را می توانم از او بگیرم و آیا به پولی که به او دادم خسارت تأخیر تعلق می گیرد؟

جواب: درخصوص سوال اول دادگاه در خصوص حق الوکاله وکیل به میزان تعرفه حکم می دهد و قرارداد فی مابین شما و وکیل تابع قرارداد خصوصی است که می تواند از تعرفه کمتر یا حتی بیشتر باشد. درخصوص خسارت تأخیر به موجب مطالبه، دادگاه نسبت به آن حکم صادر خواهد نمود.

مشاوره آفتاب حقوقی

سوال: مادرم امتیاز وام داشت و من آپارتمانی خریدم و از وام مادرم استفاده کردم. سند به نام مادرم صادر شده و در رهن بانک قرار گرفته است وکالت بلاعزل از مادرم گرفته ام ولی اگر مادرم و یا من فوت کنیم این وکالت از بین می رود برای اینکه دچار مشکلات نشویم چه کاری باید انجام دهیم

جواب: درست می گوئید وکالت عقدی است جایز که با فوت یکی از طرفین باطل می شود. اداره ثبت، کسی را مالک می داند که در دفتر املاک ملک به نام او به ثبت رسیده است. هرچند وکالتنامه قریبه ای به مالکیت شما نیز می تواند باشد. ولی دلیل برای مالکیت خود در برابر فوت یا انکار و تردید نسبت به مالکیت ایجاد نمایید و آن هم وجود یک مبایعه نامه قطعی بین

سوالات حقوقی را برای ما بفرستید

شما به طرق زیر می توانید با آفتاب حقوقی ارتباط بگیرید:

۱- ایمیل aftab.yz@gmail.com

۲- واتساپ - بله - تلگرام ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶

برای رعایت حال مخاطبانی که به هیچ یک از موارد بالا دسترسی ندارند تلفن ۰۲۱-۸۸۳۲۸۷۴۳ و ۰۹۱۳۱۵۱۵۲۱۰ (ساعت ۱۷ لغایت ۲۱) پاسخگو هستیم.

روابط عمومی آفتاب حقوقی

در گیر مسائل فروانی شده است. برخی از اصطلاحات حقوقی پر کاربرد در قراردادهای ملکی به شرح ذیل است: **بیع** = خرید و فروش • **بایع** = فروشنده • **مبیع** = مال مورد معامله • **ثمن** = بهای پرداختی از سوی خریدار در معامله • **خیار** = اختیار قانونی بر هم زدن (فسخ) معامله • **ملک مشاع** = ملکی که مالکیت آن بین دو یا چند نفر مشترک باشد عرصه = زمین ملک اعیان = بنا و ساختمانی که روی زمین ملک ساخته شده • **تهاتر** = سقوط دیون متقابل دو نفر با یکدیگر به طرق قانونی تفاسخ یا اقاله = برهم زدن معامله با توافق دو طرف • **فسخ** = برهم زدن یک طرفه با اراده یکی از طرفین • **منفسخ** = برهم زدن معامله بدون اراده طرفین • **حق ارتفاق** = حقی برای شخص در ملک دیگری • **حق انتفاع** = حقی که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند

یادداشت حقوقی

شنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۵ • سال اول • شماره ۳

بررسی حقوقی آتش‌سوزی پاساژ ارغوان اندیشه؛

مسئولیت‌هایی سنگین تنها با یک جرقه



حمیدرضا هنری‌دهقان
وکیل پایه یک دادگستری
کارشناس ارشد حقوق خصوصی

حادثه آتش‌سوزی گسترده مجتمع تجاری ارغوان در شهر اندیشه که منجر به جان‌باختن تعدادی از شهروندان، مصدومیت ده‌ها نفر و نابودی بخش قابل توجهی از اموال کسبه گردید، صرفاً یک حادثه ناشی از حریق تلقی نمی‌شود؛ بلکه نمونه‌ای از تلاقی قصورهای فنی، تخلفات ساختمانی، ضعف نظارت اداری و مسئولیت‌های متعدد حقوقی و کیفری است که بررسی آن می‌تواند تصویری روشن از حدود مسئولیت اشخاص حقیقی و حقوقی دخیل در چنین وقایعی ارائه نماید. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، آتش‌سوزی از یک واحد تجاری در طبقه همکف آغاز شده و به علت وجود مواد و تجهیزات قابل اشتعال و گسترش سریع شعله‌ها، ظرف مدت کوتاهی به بخش‌های مختلف مجتمع سرایت کرده است.

در روزهای پس از حادثه نیز گمانه‌زنی‌ها و گزارش‌های مختلفی درباره وضعیت ایمنی ساختمان، رعایت ضوابط فنی، وجود یا عدم وجود تأییدیه‌های لازم و سوابق اخطارهای احتمالی از سوی مراجع ذی‌صلاح مطرح شده است. با این حال، اظهار نظر قطعی در خصوص هر یک از این موارد منوط به نتایج نهایی تحقیقات قضایی و نظریات کارشناسی خواهد بود. نخستین مسئولیت قابل بررسی، مسئولیت مباشر یا عامل اولیه ایجاد حریق است. چنانچه ثابت شود استفاده از مواد یا تجهیزات خطرناک و اشتعال‌زا بدون رعایت مقررات ایمنی موجب وقوع حادثه شده است، رفتار مرتکب می‌تواند تحت عناوینی نظیر تسبیب در ایراد صدمه بدنی غیرعمدی، قتل غیرعمد ناشی از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی و نیز ورود خسارت به اموال غیر مورد

اقدامات، ترک فعل‌ها و کوتاهی‌های اشخاص متعدد است که در کنار یکدیگر زمینه وقوع فاجعه را فراهم می‌کنند. در چنین شرایطی دادگاه می‌تواند با جلب نظر کارشناسان، سهم تأثیر هر یک از عوامل را در ایجاد خسارت مشخص نماید. حتی در مواردی که تفکیک دقیق میزان تأثیر هر سبب ممکن نباشد، رویه قضایی و قواعد مسئولیت مدنی این امکان را فراهم می‌آورد که چند شخص به صورت مشترک مسئول جبران خسارت شناخته شوند تا زیان دیدگان ناچار به تحمل آثار پیچیدگی‌های فنی و مدیریتی حادثه نگردند. از سوی دیگر، نقش نهادهای نظارتی نیز قابل اغماض نیست.

اگر در جریان تحقیقات احراز شود که هشدارهای ایمنی صادر شده ولی اقدامات لازم برای رفع خطر صورت نگرفته یا در فرآیند نظارت و کنترل، قصور مؤثری رخ داده است، موضوع می‌تواند از حیث مسئولیت اداری، انتظامی و در موارد مقتضی مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار گیرد. البته تشخیص این امر نیازمند بررسی دقیق مستندات و حدود وظایف قانونی هر مرجع خواهد بود. در چنین پرونده‌هایی، نظریه کارشناسان رسمی دادگستری نقشی تعیین‌کننده دارد. تشخیص علت اصلی حریق، میزان تأثیر نقایص احتمالی ساختمانی، وضعیت تجهیزات اعلام و اطفای حریق، نحوه مدیریت بحران، رعایت مقررات ایمنی و نقش هر یک از عوامل انسانی و فنی، همگی از موضوعاتی هستند که مبنای تصمیم‌گیری قضایی قرار خواهند گرفت. حادثه ارغوان اندیشه بار دیگر این واقعیت را آشکار ساخت که فاجعه‌های شهری غالباً محصول یک اشتباه لحظه‌ای نیستند؛ بلکه نتیجه زنجیره‌ای از عوامل متعدد هستند که هر یک به سهم خود در شکل‌گیری حادثه نقش ایفا می‌کنند. از همین رو انتظار می‌رود تحقیقات قضایی این پرونده صرفاً به شناسایی عامل اولیه آتش‌سوزی محدود نشود و تمامی اشخاص و نهادهایی که احتمالاً در ایجاد، گسترش یا تشدید خسارات نقش داشته‌اند مورد بررسی قرار گیرند؛ زیرا عدالت زمانی محقق می‌شود که مسئولیت هر شخص به اندازه نقش واقعی او در وقوع حادثه مورد ارزیابی و رسیدگی قرار گیرد.

و از حیث عملی با چالش‌های کمتری مواجه است.

نکته احتیاطی:

چنانچه اجرای این شرط به انتقال جنین به زوجه پس از طلاق و بارداری با اسپرم همسر سابق منتهی شود، مسئله «نسب» طفل و شمول یا عدم شمول ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی (اماره فراش) مطرح می‌گردد که موضوعی مستقل و نیازمند بررسی جداگانه است. ۵. قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور (۱۳۸۲) صرفاً ناظر به زوجین متقاضی است و در خصوص وضعیت جنین‌های رهاشده پس از طلاق حکمی ندارد. این سکوت می‌تواند در رویه قضایی ایجاد تشبث کند. از منظر عملی، مستندسازی اراده طرفین پیش از آغاز درمان ضروری است. تنظیم توافق‌نامه مستقل و تصریح به حدود اختیارات واگذارشده، در کنار عقدنامه، اقدامی است که ریسک اختلافات آتی را کاهش می‌دهد. ۶. شرط امحای جنین‌های منجمد در فرض طلاق، به دلیل اختلاف مبانی فقهی، ممکن است در مقام اجرا با مانع مواجه شود.

الف. شرط واگذاری حق اختصاص و تصمیم‌گیری به یکی از زوجین، با تکیه بر ماده ۱۰ قانون مدنی و نظریه حق اختصاص، از منظر قواعد عمومی قراردادهای قابل دفاع‌تر و از حیث عملی با چالش‌های کمتری مواجه است.

ب. تا زمان ورود قانون‌گذار، تنظیم توافق پیشینی شفاف، یکی از مناسب‌ترین راهکارهای عملی موجود برای طرفین و مشاوران حقوقی آن‌هاست.

منابع • قانون مدنی (مواد ۱۰، ۲۳۲، ۲۳۳، ۷۵۲، ۱۱۱۹، ۱۱۵۸) • قانون مجازات اسلامی (مقررات مربوط به اسقاط حمل) • قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور (۱۳۸۲) • امام خمینی(ره)، کتاب البیع • محقق حلی، شرائع الإسلام • فاضل لنکرانی، جامع المسائل • مؤمن قمی، استفتائات پزشکی

اعتبار شرط ضمن عقد نکاح راجع به جنین‌های منجمد در فرض طلاق

محمد رادپور – پژوهشگر دکتری حقوق و مدرس دانشگاه

جنین منجمد، اتفاق نظر فقهی وجود ندارد: * برخی فقها، اتلاف نطفه منعقدشده را محل اشکال دانسته‌اند. * گروهی دیگر، به دلیل فقدان استقرار، حکم حرمت اسقاط را بر آن جاری نمی‌دانند. * نظر سومی نیز وجود دارد که بدون صدور حکم به حرمت اسقاط، با تکیه بر احترام مقدمات حیات انسانی، از معدوم‌سازی پرهیز می‌دهد. با این وصف، شرط امحا از قطعیت حقوقی (شرعی) برخوردار نیست. در فرض طرح دعوا، به دلیل اختلاف مبانی فقهی، ممکن است دادگاه آن را غیرقابل اجرا تشخیص دهد. بطلان شرط، وفق ماده ۲۳۲ قانون مدنی، خللی به عقد نکاح وارد نمی‌کند، لیکن شرط را عملاً بی‌اثر می‌سازد. ۴. بدیل قابل طرح، شرط «واگذاری حق انحصاری تصمیم‌گیری به یکی از زوجین» است. این شرط، ناظر به امحا نیست و موضوعاً از بحث حرمت و حلیت خارج می‌شود. یکی از مبانی قابل طرح برای تحلیل وضعیت حقوقی جنین منجمد، نظریه «حق اختصاص» در فقه امامیه است. امام خمینی(ره) در کتاب البیع، حق اختصاص را در برخی موارد که مالکیت مصطلح قابل تصور نیست، مطرح کرده‌اند. به نظر می‌رسد بتوان از این نظریه برای تحلیل وضعیت حقوقی جنین منجمد نیز بهره گرفت و بر این مبنا، برای زوجین نسبت به آن نوعی حق اختصاص قائل شد. این حق را می‌توان از طریق صلح (ماده ۷۵۲ قانون مدنی) به یکدیگر منتقل کرد. بنابراین، درج شرطی با این مضمون که «در صورت انحلال نکاح، حق انحصاری تصمیم‌گیری درباره جنین‌های منجمد (شامل ادامه انجماد، انتقال یا اهدا در حدود قوانین و مقررات مربوط) با زوجه/زوج خواهد بود»، از منظر قواعد عمومی قراردادهای و برخی تحلیل‌های فقهی، قابل دفاع‌تر

۱. در فرایند لقاح خارج رحمی، جنین‌هایی تشکیل و به‌صورت منجمد نگهداری می‌شوند که حاصل ترکیب اسپرم و تخمک زوجین‌اند. تا پیش از انتقال به رحم، فرایند بارداری و استقرار در رحم تحقق نیافته و چنانچه پیش از انتقال، نکاح به‌موجب طلاق منحل شود، وضعیت حقوقی این جنین‌ها محل اختلاف قرار می‌گیرد. پرسش این یادداشت آن است که آیا می‌توان در قالب شرط ضمن عقد نکاح، تکلیف این جنین‌ها را در فرض طلاق معین کرد و حدود اعتبار چنین شرطی چیست. ۲. تحلیل اعتبار شرط، فرع بر شناخت موضوع آن است. جنین منجمد، برخلاف جنین مستقر در رحم، مشمول عنوان «حمل» نیست. مقررات قانون مجازات اسلامی درباره اسقاط حمل، ناظر به فرضی است که بارداری محقق شده باشد. در فقه نیز برخی فقها میان نطفه مستقر و غیرمستقر تفاوت قائل شده‌اند (مؤمن قمی، استفتائات پزشکی). این تفکیک، در تحلیل شرط امحا و تمایز آن با اسقاط جنین، نقش اساسی دارد.

۳. به‌موجب ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی طرفین می‌توانند هر شرطی را که مخالف مقتضای ذات نکاح نباشد در عقد درج کنند. شرط مربوط به تعیین تکلیف جنین‌های خارج از رحم، به‌ظاهر با مقتضای ذات عقد نکاح تعارضی ندارد؛ زیرا این شرط ناظر به آثار احتمالی انحلال نکاح است و ماهیت، ارکان یا آثار ذاتی عقد نکاح را تغییر نمی‌دهد. با این حال، شرط ضمن عقد نباید با قواعد آمره، نظم عمومی یا موازین شرعی تعارض داشته باشد. ماده ۱۰ قانون مدنی، اصل آزادی قراردادهای را در همین حدود به رسمیت شناخته و مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ نیز ضمانت اجرای شروط باطل را معین کرده است. در خصوص امحای

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: منصور مظفری / وکیل پایه یک دادگستری
- آدرس: تهران - خیابان شهید مطهری - ابتدای قائم مقام فراهانی، کوچه ۲۶، پلاک ۱۰
- یزد - بلوار ۲۲ بهمن - ابتدای کوچه اعظم ۰۹۱۲۸۴۳۷۰۱۸
- تلفن: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶ - ۰۹۱۳۱۵۱۵۲۱۰ - ۸۸۳۲۸۷۴۳ ایمیل: aftab.yz@gmail.com
- چاپ: صمیم تلفن ۴۴۵۸۲۸۱۴

سیاست جنایی در قبال خودروهای شوتی



دکتر سیدمحمد کاظم موسوی
استاد حقوق کیفری و جرم شناسی

در ایران و احتمالاً برخی کشورهای همسایه، پدیده‌ای به ظاهر فنی اما با هدف مجرمانه رواج یافته که در آن مالکان برخی خودروهای مشخص با تغییر ارتفاع عقب خودرو، سیستم تعلیق را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که حتی با بار اضافی سنگین در صندوق و عقب خودرو، سطح ظاهری آن را نسبتاً عادی و بدون افت قابل توجه حفظ کند.

این اصلاحات، که عمدتاً توسط مکانیک‌های غیررسمی و در کارگاه‌های حاشیه‌ای انجام می‌شود، هدف اصلی‌اش فریب نیروهای انتظامی در جاده‌ها و جلوگیری از توقف خودروهای حامل قاچاق است. این خودروها که به نام «شوتی» شناخته می‌شوند، عملاً به ابزاری برای حمل کالاهای قاچاق، انتقال اتباع غیرمجاز، و گاهی مواد مخدر یا مشروبات الکلی تبدیل شده‌اند. چنین پدیده‌ای تنها یک نقض ساده مقررات فنی خودرو نیست، بلکه حلقه‌ای کلیدی در زنجیره جرم سازمان‌یافته و اقتصاد زیرزمینی به شمار می‌رود. از منظر سیاست جنایی و پیشگیری از جرم، این مسأله نیازمند رویکردی جامع، هوشمند و چندلایه است که فراتر از واکنش صرف انتظامی عمل کند و به ریشه‌ها، تسهیل‌کننده‌ها و پیامدها بپردازد. تغییر ارتفاع عقب خودروها، که گاهی با نصب کمک‌فنرهای خاص، فنرهای کمکی کوتاه‌تر یا حتی جوشکاری قطعات انجام می‌گیرد، یک تکنیک پنهان‌کاری است که سوء استفاده از نقاط ضعف نظارت جاده‌ای را ممکن می‌سازد. پلیس راهنمایی و رانندگی در کنترل‌های معمولی، اغلب بر نشانه‌های ظاهری مانند افت عقب خودرو، دود زیاد اگزوز یا رفتار راننده تکیه دارد. وقتی این نشانه بصری حذف شود، احتمال توقف کاهش می‌یابد و مجرمان فرصت بیشتری برای جابه‌جایی محموله‌های غیرقانونی پیدا می‌کنند. آمار غیررسمی و گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که بخش قابل توجهی از قاچاق سوخت، لوازم خانگی، پوشاک، داروهای تقلبی و حتی انتقال انسان‌ها از مرزها به داخل کشور یا بالعکس،

مکانیک‌ها، می‌تواند فرهنگ‌سازی کند که تغییر غیراستاندارد خودرو نه تنها غیرقانونی بلکه خطرناک است؛ زیرا تعادل خودرو را برهم زده، احتمال تصادفات مرگبار را افزایش می‌دهد و مسئولیت مدنی و کیفری سنگینی به همراه دارد. کمپین‌های رسانه‌ای ملی با نمایش عواقب واقعی، از جمله تصادفات ناشی از خودروهای اورلود شده و مجازات‌های سنگین قاچاق، می‌تواند بازدارندگی اخلاقی ایجاد کند. البته انواع تدابیر پیشگیرانه باید در بعد سیاست کیفری تناسب جرم و مجازات را رعایت کند و اما قاطعیت داشته باشد. جرم‌انگاری صریح «تغییر ساختار خودرو به قصد تسهیل قاچاق» به عنوان جرم مستقل، همراه با مجازات‌های مالی، توقیف موقت یا دائم خودرو، و محرومیت از گواهینامه، می‌تواند اثر بازدارنده داشته باشد. برای شبکه‌های سازمان‌یافته پشت این پدیده، پیگیری قضایی زنجیره‌ای با استفاده از قوانین مبارزه با قاچاق کالا و ارز ضروری است. همکاری بین دستگاه‌های مختلف اعم از پلیس، گمرک، وزارت صنعت، دادگستری و سازمان تعزیرات از طریق تشکیل کمیته‌های اقدام مشترک و اشتراک اطلاعات، خلأهای موجود را پر می‌کند. وجود تقاضای داخلی برای کالاهای ارزان قاچاق، شبکه‌های توزیع در شهرها و روستاها، و گاهی تسامح محلی در برخی مناطق به دلیل منافع اقتصادی، مانع اجرای سیاست‌ها می‌شود.

بنابراین، سیاست جنایی باید با شفاف‌سازی قوانین، کاهش بوروکراسی واردات و نظارت بر قیمت کالاهای اساسی، تقاضای قاچاق را خشک کند. تجربه کشورهای موفق در کنترل قاچاق نشان می‌دهد که ترکیب کنترل مرزها، فناوری، کاهش انگیزه اقتصادی و آموزش عمومی، نتایج پایدارتری نسبت به فشار بر نیروی پلیس به دست می‌آورد.

به هر حال پدیده شوتی می‌تواند به مشکلی جدی برای اقتصاد، نظم عمومی و حتی امنیت کشور در شرایط کنونی تبدیل شود به نظر می‌رسد با گسترش این معضل پیامدهای مخرب قابل توجهی در پیش باشد. در شرایط جنگی و احتمال همکاری برخی از عناصر با دشمن ین تمایل را در برخی افراد فریب خورده ایجاد می‌کند که با استفاده از ناوگان شوتی اقدام به واردات سلاح و مهمات برای آسیب زدن به امنیت کشور کنند کما اینکه این اتفاق افتاد. تجربه اجرایی نشان داده که اقدام فوری و به موقع می‌تواند از تبعات منفی این پدیده جلوگیری کند.

از طریق این ناوگان غیر رسمی «شوتی» انجام می‌شود. این حمل‌ونقل‌ها نه تنها قوانین گمرکی و ارزی را نقض می‌کنند، بلکه امنیت ملی، سلامت عمومی و نظم اجتماعی را نیز تهدید می‌نمایند. حمل اتباع غیرمجاز می‌تواند به شکل‌گیری شبکه‌های قاچاق انسان، بهره‌کشی و حتی ورود عناصر خرابکار منجر شود؛ حمل مواد مخدر و الکل نیز زنجیره اعتیاد، جرم‌های خرد و خشونت خانگی را تغذیه می‌کند. از دیدگاه **situational prevention**، سیاست جنایی باید بر سخت‌تر کردن شرایط ارتکاب جرم تمرکز کند. یکی از اقدامات فوری، ممنوعیت قانونی صریح و شدید تغییرات خودرو است.

این ممنوعیت می‌تواند در قالب اصلاح آیین‌نامه‌های ایمنی خودرو و معاینه فنی اجباری تعریف شود. مراکز معاینه فنی مجهز به سنسورهای وزن، دوربین‌های زیربندی و نرم‌افزارهای تشخیص تغییر غیراستاندارد ارتفاع و تعلیق شوند تا خودروهای مشکوک قبل از ورود به جاده شناسایی گردند. نصب دستگاه‌های جی‌پی‌اس الزامی بر روی خودروهای پرخطر یا ایجاد محدودیت در پلاک‌گذاری خودروهای قدیمی که بیشترین استفاده را در ناوگان شوتی دارند، می‌تواند بازدارندگی و ناتوان‌سازی ایجاد کند. علاوه بر این، گسترش سیستم‌های هوشمند نظارت جاده‌ای مانند دوربین‌های هوشمند با قابلیت تشخیص بار اضافی از طریق تحلیل تصویر یا سنسورهای وزن روی آسفالت در محورهای پرریسک قاچاق، نظارت را از حالت انسانی و گزینشی به سیستمی و فراگیر تبدیل می‌کند. چنین فناوری‌هایی هزینه اولیه دارند اما در بلندمدت با کاهش توقف‌های بی‌هوده و افزایش دقت، کارایی نیروهای انتظامی را بالا می‌برند. پیشگیری اجتماعی و ریشه‌ای نیز به همان اندازه حیاتی است. بسیاری از رانندگان شوتی افراد عادی هستند که تحت فشار اقتصادی و وسوسه سود بیشتر وارد این چرخه می‌شوند. تورم، بیکاری و محدودیت‌ها در واردات رسمی، بازار قاچاق را سودآور کرده است. سیاست جنایی موفق باید با تقویت تولید داخلی، تسهیل تجارت قانونی، مبارزه جدی با فساد گمرکی و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق مرزی، جذابیت اقتصادی جرم را کاهش دهد.

برنامه‌های آموزشی در سطح جامعه، به ویژه برای جوانان و

قانون اصول تشکیلات وزارت عدلیه مصوب ۱۳۰۷؛

نقطه عطفی در شکل‌گیری دادگستری نوین ایران



بهیمان حاج‌محمود عطار
دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی،
وکیل پایه یک دادگستری

تحول نظام قضایی ایران، محصول یک تصمیم یا یک قانون واحد نبود، بلکه فرایندی تدریجی بود که از اواخر دوره قاجار آغاز شد، در انقلاب مشروطه مبانی حقوقی و قانون اساسی آن شکل گرفت و در دوره وزارت علی‌اکبر داور به سازمانی منسجم و مدرن تبدیل شد.

در این میان، «قانون اصول تشکیلات وزارت عدلیه» مصوب ۲۷ تیر ۱۳۰۷ را باید یکی از مهم‌ترین قوانین تاریخ حقوق ایران دانست؛ قانونی که برای نخستین‌بار ساختار دادگستری، سلسله‌مراتب محاکم، دادسرا، دیوان عالی تمیز، دفاتر دادگاه‌ها و حرفه وکالت را در قالبی منظم و واحد سامان بخشید. پیشینه اصلاحات قضایی اندیشه اصلاح دستگاه عدالت در ایران، سابقه‌ای طولانی‌تر از دوره پهلوی دارد.

اقدامات امیرکبیر در سامان‌دهی دیوان‌خانه عدالت، اصلاحات محدود دوره ناصرالدین‌شاه و سپس پیروزی انقلاب مشروطه، زمینه‌های شکل‌گیری نظام قضایی جدید را فراهم ساخت. با تصویب قانون اساسی و متمم آن، اصل حاکمیت قانون، تفکیک

امور احوال شخصیه، مانند نکاح، طلاق، نسب و برخی مسائل ارث، محدود گردید. البته این تحول یکباره رخ نداد، بلکه نتیجه روندی بود که از انقلاب مشروطه آغاز شده و در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. دستاوردها و چالش‌ها بدون تردید، قانون سال ۱۳۰۷ یکی از مهم‌ترین پایه‌های دادگستری نوین ایران به شمار می‌رود. ایجاد تشکیلات منظم قضایی، سازمان‌دهی دادستانی، توسعه حرفه وکالت، تعیین سلسله‌مراتب محاکم و ایجاد وحدت نسبی در دادرسی، از مهم‌ترین دستاوردهای این قانون بود. همچنین این تشکیلات، بستر لازم را برای اجرای قوانین مهمی مانند قانون مدنی، قانون تجارت و قوانین آیین دادرسی فراهم ساخت. با این حال، این اصلاحات صرفاً جنبه حقوقی نداشت. نوسازی دادگستری بخشی از سیاست تمرکز قدرت دولت در عصر رضاشاه نیز محسوب می‌شد. از این رو، هرچند دستگاه قضایی از حیث سازمان و تشکیلات پیشرفت چشمگیری یافت، اما استقلال نهادی آن در برابر قوه مجریه همچنان با محدودیت‌هایی مواجه بود؛ موضوعی که بعدها نیز در تاریخ حقوق عمومی ایران مورد بحث حقوقدانان قرار گرفت. نتیجه‌گیری قانون اصول تشکیلات وزارت عدلیه مصوب ۱۳۰۷ را نمی‌توان آغاز مطلق اصلاحات قضایی ایران دانست، زیرا مبانی حقوقی این تحول در انقلاب مشروطه و حتی برخی اصلاحات دوره قاجار شکل گرفته بود. با این حال، این قانون را باید نقطه عطف تثبیت و نهادینه شدن دادگستری نوین ایران دانست؛ قانونی که برای نخستین بار سازمان قضایی کشور را در قالب ساختاری واحد، منظم و قانونمند سامان داد و مسیر توسعه حقوق نوین ایران را هموار ساخت. از این منظر، قانون مزبور نه تنها یک سند تاریخی، بلکه یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تحول حقوق عمومی و قضایی ایران در سده اخیر محسوب می‌شود.

نسیی قوا و ایجاد محاکم قانونی به رسمیت شناخته شد و نهادهایی همچون محکمه استیناف، محکمه جزا و مدعی‌العموم به تدریج ایجاد شدند. با این حال، پراکندگی قوانین، تعدد مراجع رسیدگی و فقدان سازمان اداری منسجم، همچنان از مهم‌ترین مشکلات دستگاه قضایی ایران بود؛ مشکلاتی که زمینه اصلاحات

گسترده وزارت عدلیه در دوره علی‌اکبر داور را فراهم کرد. قانون اصول تشکیلات وزارت عدلیه؛ آغاز سازمان قضایی نوین قانون اصول تشکیلات وزارت عدلیه مصوب ۱۳۰۷، در ۱۱۸ ماده و پنج باب، چارچوب تشکیلات قضایی کشور را تعیین کرد. این قانون، محاکم عمومی شامل دادگاه‌های صلح، ابتدایی، استیناف و دیوان عالی تمیز را سازمان‌دهی کرد و در کنار آن، محاکم اختصاصی، دادسراها، دفاتر دادگاه‌ها، اجرای احکام و وضعیت وکلای عدلیه را نیز تحت ضابطه قانونی قرار داد. اهمیت این قانون صرفاً در ایجاد دادگاه‌های جدید نبود، بلکه برای نخستین بار، ساختار واحد و نسبتاً منسجمی برای اداره دستگاه قضایی سراسر کشور ایجاد شد؛ امری که نقش مهمی در تحقق وحدت رویه قضایی و انتظام امور دادرسی ایفا کرد.

عرفی‌سازی نظام قضایی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اصلاحات داور، حرکت به سوی عرفی‌شدن نظام قضایی بود. بسیاری از دعاوی که پیش‌تر در صلاحیت محاکم شرعی قرار داشت، به دادگاه‌های دولتی منتقل شد و صلاحیت محاکم شرع عمدتاً به